

درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران با تاکید بر علوم انسانی

• سیمین حداد عراقی

کارشناس علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی،
اداره آموزش و پرورش شهرستان قشم

علوم فراهم نموده است که باعث شده در جایگاه اجتماعی واقعی خود قرار نگیرد.

مشکلات دانشگاه‌های علوم انسانی، زاینده برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نادرست مسئولان می‌باشد که به این حوزه از علوم توجه چندانی ندارند و بدتر از همه اینکه کسانی که برای این حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کنند، به حوزه علوم انسانی تعلق ندارند و تحصیلات آنها در حوزه‌های علوم محض و علوم عملی می‌باشد و بدون شک چنین برنامه‌ریزی به شکست می‌انجامد.

در این اثر مولف تلاش می‌کند به مشکلات و چالش‌های فرا روی دانشگاه‌ها و رشته‌های علوم انسانی در ایران پرداخته و آنها را برای مخاطبان تشریح نماید و بصورت محدود پیشنهاداتی را مطرح می‌کند که می‌تواند به ارتقاء جایگاه اجتماعی رشته‌های علوم انسانی کمک کند.

نویسنده کتاب، دکتر نعمت الله عزیزی، استادیار دانشگاه کردستان در رشته علوم تربیتی (برنامه‌ریزی آموزشی) است که ده‌ها مقاله فارسی و انگلیسی از ایشان در مجلات معتبر علمی و پژوهشی و سمینارها و کنگره‌های بین‌المللی در حوزه‌های نظام‌های آموزشی، آموزش عالی، اقتصاد آموزش و پرورش منتشر شده است.

معرفی کتاب

کتاب حاضر از یک دیباچه، پیشگفتار مولف و پنج فصل تشکیل شده است. در دیباچه به کارکرد موثر دانشگاه‌ها در تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش شهروندان پرداخته و سپس به نقش دانشگاه‌های علوم انسانی به عنوان مصدر ظرفیت‌سازی، در شکل‌گیری و تقویت توانمندی‌های دانشجویان پرداخته است.

در پیشگفتار گفتار کتاب آمده است، «آموزش عالی بخش مهم و حائز اهمیتی است که دارای حوزه اثرگذاری بسیار وسیعی در دیگر نهادها و بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه است. نظام آموزش عالی در همه جوامع از یک طرف با تربیت تخصصی افراد، مدیران و رهبران جامعه را در همه بخش‌ها آماده می‌سازد و از طرف دیگر با رشد توانایی‌ها، نبوغ و پتانسیل فکری



■ نعمت الله عزیزی. درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران (با تاکید بر علوم انسانی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵. ۱۸۰ ص. شابک: ۹۶۴-X-۰۴-۲۷۳۸

ساختار و محتوای علوم انسانی، ابعاد مختلف انسان و جامعه را تعریف و تبیین نموده و جهت‌گیری علوم، دانشگاه‌ها و کل نظام اجتماعی را مشخص می‌نماید، به عبارت دیگر، علوم انسانی بستری است برای سایر علوم و معارف بشری.

افزایش کمی و جهشی واحدهای دانشگاهی علوم انسانی و تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان و نیز کاهش شاخص‌های کیفی در آموزش رشته‌های علوم انسانی، مشکلاتی را برای این حوزه از

افزایش کمی و جهشی واحدهای دانشگاهی علوم انسانی و تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان و نیز کاهش شاخص‌های کیفی در آموزش رشته‌های علوم انسانی، باعث شده‌اند تا این رشته در جایگاه اجتماعی واقعی خود قرار نگیرد

انسان سبب توسعه مرزهای دانش می‌گردد».

در ادامه با ارائه آمارى به وضعیت تولید مقالات علمى در نمایه استنادى علوم، نمایه‌نامه استنادى علوم اجتماعى و نمایه استنادى هنر و علوم انسانی پرداخته است که به سهم ناچیز علوم انسانی در تولید علم و دانش اشاره می‌کند؛ و سپس به پایین بودن کیفیت آموزش و بالا رفتن کمیت دانشگاه‌ها می‌پردازد و اینچنین می‌گوید «آنچه که زمینه را کد شدن مراکز آموزش عالی در تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه را فراهم نمود، کم توجهی به مقوله کیفیت در فرایند توسعه و گسترش آموزش عالی و نادیده گرفتن توسعه متوازن و هماهنگ دانشگاه‌ها بوده است، طوری که در جریان گسترش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مسئولان نظام آموزش عالی کشور بیشتر از بعد کمی به این مهم توجه نموده و به شاخص‌ها، معیارها و ساختارهای اساسی و زیربنایی که کیفیت مورد انتظار را در مراکز دانشگاهی محقق می‌نماید در حد قابل قبولی تاکید نموده‌اند».

در جای دیگر پیشگفتار به تغییرات سریع علم و تکنولوژی و به چالش‌هایی که برای آموزش عالی فراهم نموده اشاره کرده و ضرورت استفاده از مدیریت کیفیت فراگیر را در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی مورد تاکید قرار می‌دهد.

فصل اول کتاب، بر نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی تاکید کرده و به نقش منابع انسانی در توسعه اقتصادی، ضرورت توجه به آموزش مهارت‌های اساسی، ضرورت اصلاحات در آموزش عالی، چالش‌ها و نارسایی‌های اشتغال فارغ التحصیلان، تحکیم ارتباط آموزش عالی با بنگاه‌های اقتصادی و بازار کار، حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی و اقتصاد دانش‌مدار و تاثیر تغییرات اقتصادی در دو مرحله صنعتی فوردیسم و پست فوردیسم می‌پردازد.

در ادامه به استناد برخی تحقیقات انجام شده توسط پژوهشگران، نیازها و انتظارات کارفرمایان از فارغ التحصیلان ترسیم و چنین بیان می‌شود، شکاف مهارتی بین نیازهای صنایع از حیث قابلیت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز و ویژگی‌های مهارتی فارغ التحصیلان وجود دارد. بر همین اساس در پایان در راستای تحکیم روابط بین دانشگاه‌ها و مراکز اقتصادی چندین اقدام را برای نظام آموزش عالی ضروری می‌داند که از جمله آنها، نزدیکتر شدن ارتباط دانشگاه‌ها با کارفرمایان اقتصادی، پاسخگو بودن دانشگاه‌ها و تربیت دانشجویانی که برای شروع کار از آمادگی و مهارت لازم برخوردار باشند و در پایان فصل به نقش راهبردی علوم انسانی در آماده‌سازی جوانان جهت کسب

مهارت‌های اساسی و مشترک بازار کار می‌پردازد.

فصل دوم در خصوص چپستی و چرایی علوم انسانی است. این فصل با چند سؤال در راستای تبیین مجدد و بازنگری سیاست‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی علوم انسانی در نظام عالی کشور، که پاسخ به آن ضروری است شروع می‌شود و مزایای علوم انسانی در عصر اطلاعات را بر می‌شمرد. در ادامه به معانی و مفهوم علوم انسانی به استناد دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌های معتبر می‌پردازد و اینچنین بیان می‌کند که علوم انسانی برخلاف آن‌دسته از علومى که هدفشان مطالعه فرایندهای فیزیکی و طبیعی یا توسعه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است، به مجموعه‌ای از رشته‌های علمى اطلاق می‌شود که درباره بنیان‌ها و ارزش‌های انسانی تحقیق می‌کند. این علوم به بررسی سؤالات، موضوع‌ها و مفاهیمی می‌پردازند که برای شکل‌گیری شخصیت و ایجاد ارزش‌ها در بستر و زمینه انسانی ضرورت دارند و دربرگیرنده و ارائه‌کننده تجارب ادبی، هنری و فکری متنوعی هستند که زندگی انسان را غنا و روشنی می‌بخشند. سپس مولف به تاریخچه علوم انسانی در غرب و ایران، قلمرو علوم انسانی، نقش علوم انسانی در توسعه سرمایه اجتماعی می‌پردازد.

در ادامه به مهمترین چالش‌های دانشکده‌های علوم انسانی از قبیل فقدان شناخت، درک ضرورت و ارتباط مطالعات انسانی هم در درون دانشگاه و هم در فرهنگ عمومی جامعه؛ به حاشیه رانده شدن این دانشکده‌ها در درون دانشگاه‌ها، محدود کردن رشد یا تضعیف دانشکده‌های علوم انسانی از نظر ساختار تشکیلات اداری و آموزشی و افزایش قابل توجه به‌کارگیری اساتید حق‌التدریس اشاره شده است.

اهمیت و جایگاه علوم انسانی در دانشگاه‌ها، کارکردهای علوم انسانی، پژوهش در علوم انسانی، جایگاه علوم انسانی در نظام دانشگاهی کشورهای توسعه‌یافته، راهبردهای تغییر و اصلاح در علوم انسانی، استانداردهای درسی برای علوم انسانی و اجتماعی مطالبی هستند که در ادامه فصل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

تاریخچه تحولات آموزش عالی موضوعی است که فصل سوم کتاب را به خود اختصاص داده است. تاریخچه آموزش عالی در ایران در هشت دوره مورد بررسی قرار گرفته و سپس اهداف و رسالت آموزش عالی در ایران بر اساس برنامه پیشنهادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مرداد ۱۳۸۴) مورد بررسی قرار گرفته و به نقد جایگاه علوم انسانی در کشور پرداخته است. در کشورهای غربی به

ساختار و محتوای علوم انسانی، ابعاد مختلف انسان و جامعه را تعریف و تبیین نموده و جهت گیری علوم، دانشگاه‌ها و کل نظام اجتماعی را مشخص می‌نماید

نظام‌های بهبود کیفیت در نظام آموزشی، مدیریت کیفیت فراگیر، تضمین و کنترل کیفیت، نقش مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش عالی مطالبی هستند که در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند. نتیجه‌گیری مطالب مطرح شده، پایان‌دهنده این فصل می‌باشد که می‌توان به عدم انطباق دانشگاه‌های ایران با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دور بودن اساتید دانشگاه‌ها به دلیل اشتغال بیش از حد استادان (تدریس یا مشاغل دیگر)، عدم همخوانی و تغییرناپذیری محتوای درسی مطابق با تغییرات محیطی، دیوان‌سالاری، تعداد مراکز تصمیم‌گیری اشاره کرد. در ادامه مولف پیشنهاداتی را در جهت رشد و توسعه شاخص‌های کیفی در نظام آموزش عالی و با تاکید بر علوم انسانی مطرح نموده است.

بخش پایانی کتاب، فهرست منابع و مأخذ می‌باشند که مولف در نگارش متن به آنها استناد نموده است.

نقد و بررسی کتاب

در خصوص جایگاه دانشگاه‌های علوم انسانی در کشور و عدم توجه مسئولان برنامه‌ریزی و سیاستگذاران به این حوزه از حیثه نشریه کتاب ماه (کلیات) خارج است و باید در سطح کلان و توسط متخصصان صاحب نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا نقاط ضعف و قوت رشته‌های علوم انسانی مشخص و راهکارهایی پیشنهاد شود. اما می‌توان برای محتوای این کتاب پیشنهاداتی را به منظور تکمیل آن مطرح نمود:

- به لحاظ وسیع بودن حوزه فعالیت علوم انسانی، گرد هم آوردن همه مسائل و مشکلات حوزه علوم انسانی و برنامه‌های توسعه‌ای در کنار هم غیرممکن است و نیاز به پژوهش‌های مختلف دارد، از قبیل برنامه توسعه دانشگاه‌های علوم انسانی در چشم‌انداز بیست ساله و برنامه‌های پنج ساله کشور، آسیب‌شناسی فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌های علوم انسانی کشور، نحوه جذب دانشجویان در دانشگاه‌های علوم انسانی کشور، بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های علوم انسانی، پراکندگی جغرافیایی این رشته‌ها و نظایر آن.

- محتوای کتاب به مسائل نظری و مشکلات دانشگاه‌های علوم انسانی تکیه دارد ولی در خصوص راهکارهای توسعه این حوزه، برنامه‌های پیشنهادی کمی ارائه شده است و انتظار می‌رفت به برنامه‌ریزی برای توسعه دانشگاه‌ها توجه بیشتری می‌شد.

- در نگارش کتاب کمتر به منابع پژوهشی از قبیل پایان‌نامه و طرح‌های پژوهشی استناد شده است.

دلیل اینکه ساختار نظریه‌پردازی‌ها و نظام‌سازی‌های جامعه به علوم انسانی برمی‌گردد، تلاش می‌کنند دانش آموزان با ضریب هوشی بالا را به حوزه‌های علوم انسانی سوق دهند و پس از کامل شدن ظرفیت‌های این حوزه، بقیه حوزه‌ها را تکمیل کنند ولی در کشور، ما، در حوزه مطالعات علوم انسانی و در حوزه برنامه‌ریزی کشور، تفکر مهندسی بیشتر غلبه دارد و سیاست برنامه‌ریزان نیز این است که بهترین نخبگان کشور را به حوزه‌های غیر علوم انسانی سوق دهند. وضعیت آموزش عالی در کشور و رشد کمی دانشگاه‌ها و جذب دانشجویان، مسائل و مشکلات تحقیقات در علوم انسانی و چالش‌های اساسی نظام آموزش عالی از مطالبی می‌باشند که در پایان فصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

فصل چهارم کتاب به آسیب‌شناسی عملکرد آموزش و پژوهش دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اختصاص دارد. نگارنده کتاب برای تحلیل وضعیت آموزش و پژوهش در علوم انسانی سوالاتی را در صفحات مقدماتی فصل طرح نموده است و جایگاه علوم انسانی در نظام آموزش و پرورش و همچنین در برنامه‌ریزی‌های کشور را مورد مطالعه قرار داده است.

برای پاسخ به سوالات مطرح شده در صفحات مقدماتی، مولف با رویکردی پژوهشی به مطالعه بررسی و تحلیلی نظرات جمعی از رؤسا و مدیران دانشگاه‌ها و دانشجویان مقاطع مختلف پرداخته است که بیشتر محتوای این فصل به تجزیه و تحلیل این پاسخ‌ها اختصاص یافته است. یکی از نتایج تحقیق نشان داد که علیرغم تایید پاسخگویان به خصوص روسای دانشگاه‌ها، مبنی بر اهمیت نقش حوزه علوم انسانی در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور، ضمن نارضایتی از کیفیت آموزش و پرورش و آموزش عالی به خصوص در حوزه علوم انسانی، عدم اولویت بخشیدن به توسعه هماهنگ و متوازن این حوزه معرفتی در سیاستگذاری‌های کلان نظام آموزشی کشور، هم در سطح آموزش عمومی و متوسطه و هم در سطح آموزش عالی را مورد تاکید قرار دادند.

به نظر نگارنده این سطور، مطالعه نتایج بدست آمده در این فصل برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری آموزش و پژوهش در حوزه علوم انسانی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. راهبردهای توسعه کیفی، الگویی برای بهبود کیفیت در علوم انسانی محتوای فصل پنجم را تشکیل داده است. در این فصل مولف ابتدا مفهوم کیفیت را مطرح و طی یک جدول به تعاریف کیفیت و توصیف آن از پنج زاویه در آموزش عالی می‌پردازد. تدریس و یادگیری کیفی، یادگیری انتقادی،

- عدم یکدستی در نحوه نگارش استنادهای غیر فارسی: در استنادهای درون متنی، اگر به اسم خارجی وقتی استناد شود دو روش وجود دارد، روش اول آوردن عین استناد به انگلیسی است و برخی از نویسندگان اگر استناد کتاب به نام شخص است، نام شخص را به زبان فارسی و سال آن را به میلادی ذکر می‌کنند. در این کتاب، عدم یکدستی در نگارش استنادها پیش آمده و نویسنده گاه استنادها را به انگلیسی و گاه به فارسی ذکر کرده است (برای منابع انگلیسی). برای مثال، چند نمونه از این نوع استنادهای استخراج شده از کتاب را می‌توان در زیر مشاهده نمود:

(Irvine, 1998), (Clark And Neave, 1992), (اشمیت و چنگلر، ۱۹۹۹)؛ (ویلیام کرونون، ۱۹۹۲)؛ (کراپروویچ و همکارانش، ۱۹۹۹) . از این نوع موارد در سراسر متن مشاهده می‌گردد که بهتر است اصلاح شود.

- عدم استناد به صفحات: در استنادهای درون متنی، باید در متن به شماره صفحه یا صفحات منبع استناد داده شود. در این کتاب به جز چند استناد صحیح، در اکثر استنادها، صفحه استناد شده ذکر نشده است

مشکلات منابع و ماخذ:

- برخی منابع در فهرست منابع وجود دارند که در متن اثر استفاده نشده‌اند:

- کمرر، فرانسیس، ان و.....، ۱۳۷۸،
- تیرل وال،، ۱۳۷۸

- Greatrix, P.(2001).....
-Homer- Dixon,T(2001)
- Only connect: the goal...
- World Bank Social Capital....

- عدم رعایت ترتیب الفبایی نویسندگانی که دارای دو اثر می‌باشند. در چنین شرایطی بعد از سرشناسه باید ترتیب تاریخ نشر در نظر گرفته شود که در این فهرست چه در منابع فارسی و چه منابع انگلیسی رعایت نشده است.

- در نظر گرفتن حرف تعریف The در تنظیم الفبایی منابع

سخن پایانی

همانگونه که در بالا ذکر شد، ورود به چالش‌های و مشکلات فراروی دانشگاه‌ها و رشته‌های علوم انسانی و آسیب‌شناسی جایگاه اجتماعی آنها با یک کتاب میسر نیست ولی نگارنده اثر سعی کرده بصورت فشرده به مشکلات این رشته در کشور پرداخته و آنها را تشریح نماید.

به نظر نگارنده، مطالعه این کتاب برای همه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران حوزه علوم انسانی، مسئولان دانشگاه‌های علوم انسانی، اساتید حوزه‌های علوم انسانی بسیار مفید خواهد بود. امید است با انجام پژوهش‌های جدید و همه‌جانبه بتوان علوم انسانی را به جایگاه واقعی آن رساند.

- یکی از دلایل عدم قرارگیری دانشگاه‌ها و رشته‌های علوم انسانی، اشکال در شرح مشاغل و شرایط احراز پست‌های علوم انسانی است که بهتر بود در این کتاب به آن پرداخته می‌شد. هر چند بررسی چنین موضوعی نیاز به تحقیقات جداگانه دارد.

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، حوزه فعالیت و تحقیقات علوم انسانی، از آنجایی که با انسان و جامعه سرو کار دارد وسیع می‌باشد و نمی‌توان همه جنبه‌های آن را در چنین کتابی خلاصه نمود. مولف آگاهانه با ذکر واژه «درآمدی» در عنوان کتاب، محدودیت اثرش را معین نموده است.

نکاتی در خصوص نگارش اثر

- عدم رعایت تورفتگی در شروع پارگراف که در سراسر متن مشاهده می‌شود.

- عدم یکدستی در شکل جمع کلمات: مانند اهداف و هدف‌ها؛
- لازم به ذکر است که در متن اشکالات تایپی کمی مشاهده شده است که نشان دهنده ویراستاری دقیق می‌باشد ولی با این حال خالی از اشکال نمی‌باشد برای مثال می‌توان به چند نمونه از آن اشاره کرد، مثل: مهم جایگزین مهمی در صفحه ۳؛ شود جایگزین شو در صفحه ۶

نکاتی درباره ساختار اثر

- یکی از معیارهای ارزیابی منابع، داشتن نمایه است که متأسفانه برای این کتاب نمایه‌ای تدوین نشده است.

- عدم یکدستی در ساختار فصل‌ها: فصل‌های ۴ و ۵ کتاب با نتیجه‌گیری به پایان رسیده است در حالیکه در فصل‌های ۲ و ۳ فاقد نتیجه‌گیری است.

- فهرست مندرجات کتاب بسیار مختصر می‌باشد که با توجه به اهمیت سرفصل‌های فرعی ضرورت دارد، فهرست مندرجات بصورت دقیق ارائه گردد.

مشکلات استنادی

روش ارجاعی در این کتاب، روش درون متنی است که یکی از بهترین نوع روش‌های ارجاعی محسوب می‌گردد. اما در این اثر، اشکالات استنادی متعددی وجود دارد که به شرح ذیل می‌باشند:

- به منابع بسیاری در متن استناد شده است که در منابع و ماخذ پایان کتاب، اسامی این منابع ذکر نشده‌اند، فهرست این منابع در جدول زیر مشخص شده است:

منابع فارسی	منابع غیر فارسی
آراسته، ۱۳۸۱؛ فیوضات، ۱۳۷۹؛ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۸۵، ۱۳۸۱، ۱۳۶۸؛ سیف، ۱۳۸۲؛ ترجمه عزیری، ۱۳۸۲؛ سارا پاکاریان، ۱۳۶۱؛ هاشمی مقدم، ۱۳۸۱	Ashton & Green , 1996; Reley, 1994; Gary, 1990, Glathorn & fox, 1995; Sallis, 1993; Meade, 1995; Own & Maidment, 1993; Pale & Cooper, 1992; Woodhouse, 1995; Horwitz, 1990; Sailor, 1999;
	و بیش از ۳۰ مورد دیگر